مقالات اقتصادی: تأمین مالی پروژه های نفت و گاز در کشورهای در حال توسعه

در آینده،فرصتهای سرمایه‏گذاری در بخش نفت و گاز احتمالا در کشورهای درحال توسعه متمرکز خواهد شد.با این حال،تامین‏ مالی پروژه‏ها به خاطر مخاطرات بازرگانی و سیاسی به دشواری انجام می‏شود.برای کاهش مخاطرات و جذب تامین مالی‏ پروژه‏ها چه می‏توان کرد؟

بیشترین تقاضای نفت و گاز مربوط به کشورهای درحال‏ توسعه است،و در عین حال بیشترین ذخایر جهانی این دو ماده نیز در اختیار این کشورهاست.در نتیجه،توجه‏ شرکتهای بین المللی انرژی-مانند سرمایه‏گذاران، فروشندگان تجهیزات،پیمانکاران،و شرکتهای مشاوره‏ای- از اروپا و آفریقای شمالی به سوی کشورهای درحال‏ و توسعه جلب شده است،که احتمالا از فرصتهای تجاری‏ بیشتری در بخش نفت و گاز در آینده برخوردارند.

اگر چه پروژه‏های جدید و بسیار زیادی وجود دارد،ولی‏ بیشتر آنها به دلیل مشکلات تامین مالی اجرا نشده است. مسئولان پروژه ناچارند مجموعه‏های تامین مالی انعطاف‏ پذیرتر و نوآورانه‏تر را طراحی کنند که شامل بخش‏ خصوصی و عمومی باشد.با این حال،مخاطرات بازرگانی‏ و سیاسی غالبا طرفهای بالقوه را دلسرد می‏کند.اخیرا بانک جهانی در تلاش برای تسهیل جریانهای پولی، استراتژی خود را در بخش نفت و گاز مورد بازبینی قرار داده‏ و در مورد کمک به دولتها و شرکتهای خصوصی برای کنترل‏ و کاهش مخاطرات پروژه تاکید بیشتری داشته است.

بخش رو به تحول

در طول 5 سال گذشته،شرایط سیاسی و اقتصادی‏ کشورهای درحال توسعه و همچنین صنعت بین المللی نفت‏ و گاز دستخوش تحولات چشمگیری شده است.این‏ تحولات تأثیر عمیقی در بخش هیدروکربنها داشته است.

تعریف دوباره نقش دولت

بسیاری از دولتها با تشخیص اینکه نمی‏توانند کارآفرین‏ خوبی باشد،نقش خود را به صورت سیاستمدار و تنظیم‏کننده از نو تعیین کرده‏اند.آنها به بخش خصوصی‏ آزادی بیشتری داده‏اند و به عوامل بازار اجازه دادند تا کاراترین شیوه‏های عرضهء کالا و خدمات را تعیین کند. این روند جهانی،مؤثرترین نتایج را در کشورهای با برنامه‏ریزی متمرکز پیشین داشته است.

تغییر چشمگیر بازار جهانی نفت

در دهه‏های 1970 و 1980 نگرانی شدیدی در مورد امنیت‏ عرضهء نفت و خط افزایش قیمتها به وجود آمد.بخشی‏ از این خطر هنوز وجود دارد،ولی اکنون نفت خام‏ و فرآورده‏های نفتی در ردیف کالایی محسوب می‏شوند که‏ باید با مناسبترین شیوه‏های مقرون به صرفه عرضه شود. تهیهء فرآورده‏های نفتی در بازارهای بین المللی مورد تاکید است،و توسعه منابع داخلی تنها زمانی توجیه‏پذیر است که‏ بتوان نفت و گاز را با قیمتهای رقابتی بین المللی تولید و به‏ بازار عرضه کرد.

افزایش نگرانی برای محیط زیست

تخریب محیط زیست یکی از نگرانیهای اصلی جامعهء بین المللی است.مسائل زیست محیطی در رابطه با بخش‏ هیدروکربنها در کشورهای درحال توسعه از اهمیت ویژه‏ای‏ برخوردار است.

نخست،پروژه‏های نفت و گاز غالبا دارای خطرات بالقوه‏ برای محیط زیست و ایمنی هستند،که باید بررسی و کنترل‏ شوند.در کشورهای صنعتی،طراحی و اجرای پروژه‏ها مطابق با استانداردهای مشخص انجام می‏شود،ولی‏ در بیشتر کشورهای درحال توسعه،هیچ استاندارد محیطی‏ برای بخش نفت و گاز وجود ندارد.در گذشته،شرکتهای‏ مهم نفتی استانداردهای داخلی را رعایت می‏کردند،ولی‏ با آغاز فعالیت بسیاری از شرکتهای خصوصی کوچک‏ در زمینهء هیدروکربنها،این وضع تغییر کرد.

دوم،تأسیسات کنونی نفت وگاز در بسیاری از کشورهای‏ درحال توسعه زیر استانداردهای موجود کار می‏کنند که‏ در نتیجه به محیط زیست محلی و جهانی خسارت وارد می‏آورند.یکی از نگرانیهای عمده،نشست نفت و گاز است‏ که باید به سرعت برطرف شود.

گاز طبیعی،انتخاب آینده

گاز طبیعی تا حدی به خاطر نگرانیهای زیست محیطی‏ و تا حدی به خاطر ملاحظات اقتصادی و کارایی،به صورت‏ سوخت محبوب کشورهای درحال توسعه درآمده است. خارج از قلمرو کشورهای اتحاد شوروی سابق،استفاده‏ از گاز طبیعی تا این اواخر در کشورهای درحال توسعه کاملا محدود بوده است.در 5 سال گذشته،مصرف سالانهء گاز تا 6 درصد افزایش داشته،که بخش بزرگی از آن در نیروگاههای‏ برق استفاده شده است،زیرا کارایی نیروگاههای سیکل‏ ترکیبی گازی به‏طور چشمگیری افزایش نشان می‏دهد.

فرصتهای تجاری

براساس پیشبینی‏ها مصرف جهانی نفت بین سالهای‏ 1995 و 2010 حدود 36 درصد افزایش می‏یابد.بیشتر این‏ افزایش مربوط به کشورهای درحال توسعه است که انتظار می‏رود تقاضا تقریبا در تمام بخشها با افزایش همراه شود (نمودار یک)

در مقابل،رشد مصرف نفت در کشورهای صنعتی‏ احتمالا به بخش حمل‏ونقل محدود خواهد شد.در طول‏ دورهء مذبور،انتظار می‏رود که مجموع مصرف جهانی گاز نیز تا حدود 36 درصد افزایش یابد.به‏طور کلی،رشد مصرف‏ گاز در کشورهای درحال توسعه و صنعتی تا حد زیادی به‏ گسترش نیروگاههای گازی بستگی خواهد داشت. در نتیجه،بخش مهمی از افزایش تقاضای گاز در کشورهای‏ درحال توسعه خواهد بود،زیرا گسترش ظرفیت نیروگاهها عمدتا در این کشورها انجام خواهد شد.

ذخایر هیدروکربنها نیز در کشورهای درحال توسعه‏ متمرکز شده است(نمودار یک).تنها 5 درصد از مجموع‏ ذخایر نفت،و 9 درصد از ذخایر گاز در اختیار کشورهای‏ صنعتی قرار دارد.

تمرکز ذخایر نفت و گاز،و چشم‏انداز بازار این ماده،همراه‏ با اصلاحات اقتصادی اخیر موجب شده است تا منافع‏ چشمگیری در بخش هیدروکربنهای کشورهای درحال‏ توسعه به وجود بیاید.با کاهش فرصتهای تجاری در بخش‏ نفت و گاز کشورهای صنعتی،شرکتهای انرژی در تلاشند تا شرایط سرمایه‏گذاری در کشورهای درحال توسعه‏ را بررسی کنند.البته سیستم سنتی تامین مالی پروژه‏های‏ نفت وگاز در این کشورها مفید نیست و هنوز سیستم‏ جدیدی نیز جایگزین آن نشده است،در نتیجه کمبود تامین‏ مالی وجود دارد.

تا دههء 1970،تامین مالی بیشتر پروژه‏های نفت‏ در کشورهای درحال توسعه توسط شرکتهای بین المللی‏ نفتی انجام می‏شد.ولی با مداخلهء شدید دولتها در بخش‏ نفت به منظور اطمینان از کنترل بهتر ذخایرشان،و همچنین‏ اطمینان کشورهای واردکننده از عرضه پایدار،این وضعیت‏ تغییر کرد.در نتیجه،پروژه‏های نفت و گاز با بودجهء دولتها، وامهای رسمی و شرکتهای بین المللی نفتی تامین مالی‏ می‏شد.در اوایل دههء 1990،مداخلهء بیشتر دولتها و کمکهای‏ پولی آنها به بخش نفت و گاز محدود شد،در نتیجه تامین‏ مالی از طرف بخش خصوصی بار دیگر مطرح شد.با این‏ حال،شرکتهای بین المللی نفتی،برای تامین مالی این پروژه‏ها تمایل چندانی نداشته‏اند،و به دلایل گوناگون‏ از جمله نیاز سیاسی به داشتن شریک محلی و مشارکت‏ در مخاطرات پروژه،تلاش کردند تا طیف گسترده‏ای از شرکا را در پروژه داخل کنند.در نتیجه،با مداخله‏ةء سرمایه‏گذاران‏ خصوصی عمومی،تامین مالی پروژه‏های نفت و گاز کاملا پیچیده شد.

مخاطرات و تنگناهای پروژه

مخاطرات پروژه عموما به دو دستهء کلی سیاسی‏ و بازرگانی تقسیم می‏شود.مخاطرات بازرگانی(برای مثال، مخارج بیش از هزینه،تأخیرها،و کاهش درآمد پروژه ناشی‏ از فروش و قیمتهای ناپایدار)همگی در کنترل مسئولان‏ پروژه است.درحالی که مخاطرات سیاسی(برای مثال، سلب مالکیت،ناآرامیهای داخلی،و عدم تبدیل‏پذیری ارز خارجی)چنین حالتی ندارد.

با وجود شیوه‏های تامین مالی مرسوم،مسئولان پروژه‏ می‏توانند مخاطرات بازرگانی را پذیرفته و کنترل کنند، و برای مخاطرات سیاسی نیز از طریق بیمه اقدام کنند.

در بسیاری از کشورهای درحال توسعه بعد دیگری‏ از مخاطرات سیاسی وجود دارد که کنترل آن دشوارتر است، و آن نبود سیستمها و سیاستهای پایدار و ثابت‏ حقوقی،نهادی و کنترلی است که به دولتها امکان می‏دهد تا به اقدامهای غیر قابل پیشبینی دست بزنند که می‏تواند بر هزینه‏ها و درآمدها تأثیر اساسی داشته باشد-بویژه اگر دولتها،مثلا،قیمتهای داخلی نفت و گاز را کنترل کنند یا تصمیم بگیرند شرایط مالیات بر آن و حق امتیازها را تغییر دهند.این خطر بزرگترین مانع برای سرمایه‏گذاری‏ خصوصی در بخش نفت و گاز کشورهای درحال توسعه‏ است.حتی در کشورهایی که دولتهایشان برای ایجاد چارچوبی ثابت و سیاستهای روشن گامهایی برداشته‏اند، مسئولان پروژه‏ها و تامین‏کنندگان مالی آنها نمی‏توانند اطمینان کامل داشته باشند که شرایط جدی تجاری ثابت‏ بماند و یا اینکه دولت وظایفش را به نحو مطلوب‏ و پایدار انجام دهد.

تمام طرفهایی که در پروژه مشارکت دارند از طریق‏ موافقتنامه‏ها و قراردادهای متعدد که مشمول مجموعه‏ امنیتی می‏شود،مخاطرات پروژه را می‏پذیرند.هدف از این‏ اسناد،حمایت از منافع مسئولان پروژه و عمدتا ایجاد آرامش برای وام‏دهندگان است.از نقطه نظر یک وام‏ دهنده،پاسخ به سه پرسش ضروری است:نخست،آیا می‏توان پروژه را طبق برنامهء زمانبندی و بودجهء مصوب‏ احداث و راه‏اندازی کرد؟.دوم،آیا درآمد خالص پروژه طبق‏ برنامه‏ریزی خواهد بود؟،و سوم،آیا می‏توان درآمد خالص‏ را طبق موافقتنامهء پروژه به وام‏دهندگان و سرمایه‏گذاران‏ تخصیص داد و به آنها برگرداند؟.در رابطه با این‏ پرسشها،وام‏دهندگان می‏خواهند بدانند چه کسی‏ پاسخگوی خسارت به پروژه در هر یک از این زمینه‏ها خواهد بود.

مسئله مخاطرهء سیاسی باید در آغاز آماده‏سازی پروژه‏ مورد توجه قرار گیرد.بیشتر سرمایه‏گذاران و تامین‏کنندگان‏ مالی اعتقاد دارند که می‏توان با مخاطرات بازرگانی به نحو مؤثری روبرو شد،ولی احساس می‏کنند که هر کس‏ نمی‏تواند مخاطرات سیاسی را کنترل کند.از این رو،افراد مذبور تا زمانی که مطمئن نشوند که مخاطرات سیاسی‏ قابل کنترل است،هیچ پیشنهادی را جدی نمی‏گیرند. مخاطرات سیاسی را می‏توان با اقدامات گوناگون کاهش‏ داد،از جمله ضمانتهای گوناگون و مشارکت برخی از طرفها-برای مثال،حضور یک سازمان دولت مهم،یا افراد و شرکتهای داخلی قدرتمند.تضمینهای رسمی را نیز می‏توان از دولتهای میزبان و سازمانهای چند جانبه‏ و دو جانبه به دست آورد.

مخاطرات تجاری را می‏توان به دو شیوهء متمایز کاهش‏ داد.نخست،مسئولان پروژه باید با دولت میزبان‏ یا سازمانهای دولتی در مورد برخی از جنبه‏های عرضهء محصولات پروژه به توافق برسند.نقش دولت باتوجه به‏ کشور و نوع پروژه متفاوت است.برای مثال،نقش دولت‏ در مورد پروژه‏های گاز بسیار مهم است زیرا بیشتر محصول‏ یا توسط یک سازمان دولتی خریداری می‏شود و یا با قیمتهای کنترل شده به فروش می‏رسد.بنابراین، مسئولان پروژه باید در مورد دریافتها و پرداختها یا قراردادهای مواد اولیه با سازمانهای دولتی مطئن شوند. دولت نیز باید اعتمادپذیری سازمانهای دولتی را تضمین‏ کند یا اطمینان بدهد که در صورت لزوم اجازهء افزایش‏ قیمتها را خواهد داد.کسب ضمانتها یا موافقتنامه‏های‏ دولتی به زمان نسبتا درازی نیاز دارد،بویژه در کشورهایی که‏ سوابق روشنی ندارد.دوم،مذاکره با پیمانکاران، فروشندگان تجهیزات،تامین‏کنندگان سوخت،شرکتهای‏ عملیاتی و غیره است تا تمایل آنها برای جبران خسارت، در صورت کوتاهی در انجام وظیفه‏شان،مشخص شود.

گرچه این فرآیند از لحاظ تکنیکی پیچیده است،ولی به‏ خاطر وجود انگیزه‏های تجاری،معمولا کارایی خوبی دارد.

نقش بانک جهانی

در سال 1995،بانک جهانی استراتژی وامهای نفت وگاز را با مشورت کشورهای عضو،نمایندگان صنعت بین المللی‏ نفت،و سایر منابع تأمین مالی از نو بررسی کرد.این کار به‏ خاطر تغییرات 5 تا 10 سال گذشته،و همچنین قادر ساختن‏ بانک برای ارائه مؤثرترین کمکها به کشورهای عضو انجام‏ می‏شد.در رابطه با استراتژی جدید،که روی کمک به‏ کشورهای درحال توسعه برای کاهش مخاطرات پروژه‏ و همچنین قادر ساختن دولتها برای ارائه نقش تنظیم‏ کنندهء مؤثر تاکید دارد،بانک جهانی از ایجاد بازارهای آزاد و رقابتی حمایت می‏کند؛و هم به عنوان نیروی جذب‏کنندهء سرمایه‏های خصوصی و هم وام‏دهی به آنها عمل‏ می‏نماید.

دستور کار جدید بانک که با همکاری سایر اعضای گروه‏ بانک جهانی-از جمله شرکت تامین مالی بین المللی‏ (آی.اف.سی)و سازمان ضمانت سرمایه‏گذاری چند جانبه- طراحی شده شامل کمک فنی،وام‏دهی،ضمانتها به شرح‏ زیر است:

کمک به کشورها برای ایجاد چهارچوب قانونی و تنظیمی‏ که موجب سهولت سرمایه‏گذاری خصوصی و افزایش‏ کارایی شود.

کمک به بازسازی شرکتهای دولتی تولیدکنندهء فرآورده‏های هیدروکربن از طریق تشکیل اتحادیه، بازرگانی کردن و خصوصی کردن.

تعیین سوختهای کاراتر و بی‏خطرتر،و تشویق برای‏ استفاده از گاز به جای زغال‏سنگ و نفت.در بررسی که‏ اخیرا در هند انجام شده آمده است که دسترسی آسان به‏ سوختهای جدید می‏تواند-به‏طور مستقیم یا غیر مستقیم‏ -به خانواده‏های فقیر کمک کند تا"نردبان انرژی‏"را به‏ سوی سوختهای تمیزتر و کاراتر از سوختهای چوب‏ و پسماندهء محصولات کشاورزی برای پخت‏وپز طی کنند. کمک به دولتها برای پاکسازی تأسیسات کنونی نفت‏ و گاز از لحاظ محیط زیست،و ایجاد استانداردها و سازمانهایی برای نظارت بر پیامدهای پروژه‏های نفت‏ و گاز روی محیط زیست.

سهولت بخشیدن به پروژه‏های تجاری بین المللی‏ (عمدتا خطوط لوله گاز،پروژه‏های گاز طبیعی مایع، و خطوط لوله نفت).پروژه‏های خط لولهء گاز،بویژه از حمایت‏ بانک جهانی برخوردار است،زیرا با وجود دورهء طولانی‏ بازگشت سرمایه،نبودن جایگزین،و غالبا بازارهای محلی‏ نامطمئن،این پروژه‏ها در نظر بخش خصوصی نسبتا پرمخاطره است.مشارکت بانک جهانی به عنوان یک‏ سازمان تسهیل‏کننده،تضمین کنندهء پروژه‏های‏ بسیار پیچیده است که نیاز به مشارکت مستقیم دولت‏ یا یک شرکت دولتی دارد.

تأمین مالی سریع پروژه‏های مربوط به توسعه،فرآوری، انتقال و توزیع نفت که از لحاظ اقتصادی پایدار باشد، و در عین حال منابع کافی بخش خصوصی نیز در دسترش‏ نباشد.

ضمانت جبران خسارت پروژه‏هایی که از لحاظ محیط زیست مهم هستند.از سپتامبر 1994،بانک جهانی دو شیوهء ضمانت به عنوان تشویق سرمایه‏گذاری خصوصی‏ در پروژه‏های کلیدی ارائه کرده است.1)"ضمانت‏ خطر نسبی‏"که عدم انجام تعهدات قراردادی دولت را در یک‏ پروژه پوشش می‏دهد(مانند فروش مواد اولیه به پروژه، خرید محصولات تمام شده،یا انجام برخی سرمایه‏گذاریها در رابطه با پروژه)،2)"ضمانت اعتبار نسبی‏"که معمولا سررسیدها را،بیش از آنچه که بستانکاران انجام می‏دهند، تمدید می‏کند.

سقف وام‏دهی بانک جهانی به بخش نفت و گاز در طول‏ دو دههء گذشته،باتوجه به تغییرات شرایط بازار و همچنین‏ چرخش سیاست بانک،با نوسان همراه بوده است.در پی‏ بحران نفتی دههء 1970،بانک جهانی نقش مهمی‏ را در بخش نفت و گاز ایفا کرد و به کشورهای عضو برای‏ توسعه منابع انرژی بومی آنها کمک نمود.میزان وامهای‏ بانک در سال 1983،که عمدتا برای اکتشاف و توسعه‏ منابع هیدروکربنها اختصاص یافته بود،به یک میلیارد دلار رسید.این افزایش باعث بروز این نگرانی شد که بانک‏ جهانی احتمالا بخش خصوصی را در ردهء دوم قرار داده‏ است.در نتیجه،بانک برای وامهای مربوط به اکتشاف‏ و تولید نفت محدودیتهایی وضع کرده،که در سال 1986 میزان آن به 300 میلیون دلار کاهش یافت.در سال‏ 1990،فعالیت بانک در بخش هیدروکربنها بار دیگر افزایش یافت،ولی این بار تاکید بانک حول محور تشویق‏ بخش خصوصی برای مشارکت،و پشتیبانی از توسعه گاز طبیعی به عنوان جایگزین زغال‏سنگ و نفت دور می‏زد.

انتظار می‏رود که وام‏دهی بانک در بخش نفت و گاز، در طول نیمهء دوم دههء 1990،سالانه به یک میلیارد دلار برسد.

با این حال،پیشبینی می‏شود که اولویت به جای صنایع‏ بالادستی به زیرساختار داده شود.این چرخش نشان‏ می‏دهد که بانک معتقد است اگر زیرساختار تحویل‏ محصول وجود داشته باشد،بخش خصوصی برای صنایع‏ بالادستی سرمایه‏گذاری خواهد کرد.بانک همچنین روی‏ کمک فنی تاکید فزاینده‏ای دارد،که هدف از آن سهولت‏ در بازسازی بخش نفت و گاز،خصوصی سازی،توسعه‏ بخش خصوصی،و ایجاد استانداردهای محیطی و نهادهای‏ نظارتی است.

جمعبندی

مسئولان پروژه‏های نفت و گاز در کشورهای درحال توسعه‏ غالبا خود را در فرآیند پایان ناپذیر طراحی ساختار مالکیت،بستهء امنیتی،و طرح تامین مالی می‏بینند.آنها باید تلاش کنند تا به هدفهای متناقض دست پیدا کنند- یعنی به حداقل رساندن خطر و هزینه‏های تامین مالی، و به حداکثر رساندن شانس موفقیت و اجرای به موقع پروژه. برای کنترل مخاطرات پروژه،مسئولان تلاش می‏کنند تا طرفهای بیشتری را درگیر پروژه کنند.تمایل شدیدی‏ برای شرکت دادن طرفهای محلی وجود دارد-در بخش‏ هیدروکربنها،این طرفها معمولا شرکتهای نفت و گاز دولتی هستند.به رغم وجود تفاوت زیاد بین شرکتهای‏ دولتی و خصوصی،اخیرا همکاری شگفت‏آوری میان این‏ دو بخش برای تامین مالی پروژه‏های کشورهای درحال‏ توسعه مشاهده می‏شود.شرکتهای دولتی که به‏طور سنتی، پروژه‏ها خود را از طریق بودجهء دولتی یا وامهای رسمی‏ دولتی تامین مالی کرده‏اند،اخیرا به منابع تامین مالی‏ بازرگانی مانند وامهای بانک بازرگانی یا فروش دارایی‏ در بازار بورس روآورده‏اند.و سرمایه‏گذاران خصوصی اکنون‏ تلاش می‏کنند تا منابع رسمی تامین مالی را با تعهد دولت‏ برای پروژه‏هایشان تلفیق کنند-حتی در برخی موارد با سازمانهای دولتی شرکتهای مشترک تشکیل بدهند.

روند کنونی آشکارا نمایانگر استفاده از گسترهء کاملی‏ از ابزارهای موجود مالی برای پروژه‏های نفت و گاز کشورهای درحال توسعه است.ازاین‏رو،با وجود شرکای‏ بسیار زیاد پروژه،و گسترهء وسیعی از ابزارهای مالی، و مالی،سهولت بیشتری برای سرمایه‏گذاری در بخش نفت‏ و گاز به وجود بیاورند.غالبا می‏توان جنبه‏های مثبت‏ و منفی یک پروژه را با مشخص کردن قوانین بازی و مطمئن‏ کردن مسئولان پروژه را،با مشخص کردن قوانین بازی‏ آماده‏سازی پروژه بسیار پیچیده‏تر شده است.مسئله‏ حیاتی،در هنگام طراحی ساختار مالکیت پروژه،نقش‏ دولت یا سازمانهای دولتی است.غالبا،مالکیت نسبی‏ سازمانهای دولتی،موجب دستیابی به منابع رسمی تامین‏ مالی می‏شود،ولی در عمل،بیشتر تامین‏کنندگان مالی‏ رسمی برای حمایت از مالکیت کامل دولتی با تردید روبرو می‏شوند.میزان مطلوب مشارکت دولت،باتوجه به نوع‏ پروژه و فضای تجاری کشور،متفاوت است.نقش دولت‏ در پروژه‏های اصلی نفت و گاز و پالایشگاهها باید کاهش‏ یابد.در مورد پروژه‏های زیرساختاری،معمولا نقش دولت‏ باید بیشتر باشد.با وجود ساختار مناسب مالکیت،مسئولان‏ پروژه می‏توانند از پشتیبانی نهادهای چند جانبه مانند بانک جهانی برخوردار شوند.

دولتها می‏توانند،با ایجاد نظامهای روشن تنظیمی‏ و مطمئن کردن مسئولان پروژه و وام‏دهندگان از ثبات‏ سیاستهای مربوط،بهبود بخشید.دولتها همچنین‏ می‏توانند با بررسی روشهای سایر کشورها،در رابطه‏ با سیستمهای مالی و پارامترهای نظامهای کنترلی، از تجربهء آنها استفاده کنند.و این یکی دیگر از زمینه‏هایی‏ است که بانک جهانی و سایر نهادهای چند جانبه می‏توانند کمکهای ارزشمندی،باتوجه به تجربهء خود،ارائه دهند.